

بایسته‌های هدایت سیاسی در قرآن کریم

تاریخ دریافت: ۹۵/۳/۸ تاریخ تأیید: ۹۵/۶/۲۸

محمد حسن آشوری*

چکیده

انسان در همه عرصه‌های زندگی محتاج رهبرانی است که او را به سمت کمال و موفقیت سوق دهند. عرصه سیاست که عرصه قدرت و پیش بردن انسان‌ها از موضع فرادستی به سمت هدف مورد نظر است، از مهم‌ترین این عرصه هاست. به اعتقاد مسلمانان و به ویژه شیعیان، تنها مرجع و منبع رهبری و هدایتگری در عرصه سیاست و قدرت، دین اسلام و به ویژه قرآن کریم است. آیات فراوانی در قرآن کریم مرتبط با هدایت سیاسی هستند. بخش مهمی از این آیات، بایسته‌هایی را برای هدایت سیاسی بیان می‌کنند. این نوشتار با عنوان «بایسته‌های هدایت سیاسی در قرآن کریم»، به بررسی و توضیح آیاتی می‌پردازد که متضمن الزامات هدایت سیاسی هستند.

این پژوهش با استفاده روش تحلیل مضمون انجام شد. در این روش، به دلیل اینکه یک روش کیفی است، فرضیه‌ای نخواهیم داشت و پژوهش حاضر به منظور کشف مفاهیم مرتبط با مساله مورد تحقیق، انجام می‌شود. در یک تحلیل مضمونی، مضامینی از داده‌ها استخراج و به صورت نظم یافته ارائه می‌گردد. این مضامین در سه سطح پایه، سازمان دهنده و فراگیر، از داده‌ها استخراج شده و تحلیل نهایی به وسیله این مضامین صورت می‌گیرد. به کمک این روش، ۲۷ مضمون پایه استخراج گردید و از این مضامین، ۱۱ مضمون سازمان دهنده انتزاع شد. در نهایت عنوان بایسته‌های هدایت سیاسی، برای مضمون فراگیر انتخاب شد. بایسته‌های هدایت سیاسی، حلقه ربط مضامین به یکدیگر می‌باشد.

برای عرضه مساله به قرآن کریم، از روش تفسیر موضوعی استنتاجی بهره گرفته شد. در این روش، مسائل و مباحث خارج از قرآن کریم به قرآن عرضه شده تا رأی قرآن کریم نسبت به آن موضوع کشف و استخراج شود. بر همین مبنا، اصول و قواعد تفسیر موضوعی بایستی مد نظر قرار گیرد. در این تحقیق سعی شد با استفاده از تفاسیر معتبر و با استفاده از روایات، این اصول مراعات گردد.

واژه‌های کلیدی: بایسته‌های هدایت سیاسی، تفسیر سیاسی قرآن کریم، تفسیر موضوعی استنتاجی، تحلیل مضمون.

* کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع).

بررسی مفاهیم

در این قسمت ابتدا به بررسی مفاهیم پژوهش می‌پردازیم. مفاهیم اصلی این پژوهش، هدایت، سیاست و در نهایت، بایدهای هدایت سیاسی هستند. این بررسی در کتب لغت فارسی و عربی انجام می‌شود. مفاهیم مرتبط با واژه‌های هدایت و سیاست نیز مفاهیم رشد، قوه، قدرت، مکنن و دیگر مفاهیم هستند. این مفاهیم در یافتن آیات مورد بحث ضروری هستند که در بررسی آیات به آن‌ها پرداخته می‌شود. در قسمت بعدی، مقدماتی برای تحقیق بیان می‌شود. در این نوشتار به این دلیل که یک پژوهش در قرآن مجید است و با تفسیر قرآن کریم سر و کار دارد، به چپستی و چگونگی تفسیر موضوعی پرداخته می‌شود. سپس بحث ظرفیت سنجی هدایت سیاسی در قرآن کریم را آورده و قابلیت قرآن کریم را برای یک پژوهش سیاسی در آن، بررسی می‌کنیم.

۱. مفهوم هدایت

جوهری، ابن منظور و صاحب معجم متن اللغه، واژه «هدی» را به معنای رشاد (هدایت کردن) و دلالت (راهنمایی) دانسته‌اند. (الجوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲۵۳۲؛ ابن منظور المصری، بی تا، ج ۱۵، ص ۳۵۳؛ احمد رضا، ۱۳۷۷ق، ج ۵، ص ۶۱۴ و ۶۱۵) ابن فارس بن زکریا در ابتدا معنای دیگری را برای هدایت بر می‌شمرد: «هدی: أصلان احدهما التَّقْدِمُ لِلرِّشَادِ...». وی در ادامه همان معنای معروف را ذکر می‌کند و اشاره می‌کند که این معنای معروف از معنای اول منشعب شده است. (ابن فارس، ۱۳۸۷، ص ۹۹۰) در هر حال رشاد [هدایتگری] و دلالت [راهنمایی] معنایی است که مورد اتفاق اهل لغت می‌باشد.

هدایت در اصطلاح قرآنی و مفسران غالباً دارای دو تعریف است: در تعریف اول، هدایت به «دلالت و راهنمایی که اقتضای رسانندگی [ایصال] به خیر را دارد» تعریف شده است. تعریف دوم عام‌تر از این تعریف است: «هدایت، گاهی به معنای راهنمایی و دلالت به چیزی است که به خیر می‌رساند بدون اعتبار رسانندگی {ایصال} به خیر، و گاهی به معنای دلالتی است که به خیر می‌رساند.» (مغراوی، ۱۴۳۲ق، ص ۷۳)

در مقابل این دو تعریف، تعاریف دیگری هم وجود دارد. جوادی آملی نوشته است: «هدایت برخورداری موجودی از کمالی که با نظم خاصی به آن برسد؛ ... برقراری ارتباط خاص میان موجود و آینده کمالی آن را هدایت می‌گویند.» (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۶، ص ۲۱) در منبع دیگری آمده است: «هدایت، تعیین کمال مناسب یک شیء و تعیین راه رسیدن به آن است.» (اسد الله زاده، ۱۳۸۰، ص ۳۰) صدر المتألهین تعریف دیگری را با کمی تفاوت ذکر می‌کند: «الهدایة هی ما یسوق الشیء الی کماله ... ترجمه: هدایت، سوق دادن و حرکت دادن شیء به سوی کمال آن شیء است.» (صدر المتألهین، ۱۳۶۸، ج ۶، ص ۳۶۹)

اگر هدایت را به منزله فرایند در نظر بگیریم و با توجه به ارکان فوق، هدایت را می‌توانیم این گونه تعریف کنیم: «فرایند سوق دادن یا حرکت دادن پذیرنده هدایت به سمت کمال»

۲. مفهوم سیاست

در بسیاری از منابع لغت عربی به عبارات مشابهی بر می‌خوریم. در این منابع آمده است: «...السیاسةُ القیامُ عَلَی الشَّیءِ بما یُصلِحُه... سیاست به معنای متولی شدن برای کاری یا چیزی است آن گونه که مصلحت آن چیز است...» (ابن منظور المصری، بی تا، ج ۶، ص ۱۰۸؛ احمد رضا، ۱۳۷۷ق، ج ۳، ص ۲۴۷؛ الحسینی الزبیدی، ۱۳۹۶ق، ج ۱۶، ص ۱۵۷) در برخی منابع به معنای مشهور سیاست هم اشاره شده است: «...واشْتَهَرَتْ عِنْدَ»

اهل العصرِ فی العملِ لِأُمورِ الدَّولةِ داخلِها و خارجِها... و سیاست در عصر ما به معنای کارکردن و پرداختن به امور داخلی و خارجی کشور است.» (احمد رضا، ۱۳۷۷ق، ج ۳، ص ۲۴۷)

منابع دیگر عربی، سیاست را به معنای خاص آن، یعنی حکومت داری گرفته‌اند: در فرهنگ معاصر میانه آمده است: «سیاسة: ۱. سیاست، تدبیر و اداره امور ۲. حکومت داری، فن کشورداری» (قیم، ۱۳۸۸، ص ۴۸۴). در فرهنگ اصطلاحات معاصر هم می‌خوانیم: «سیاسة: سیاست، خط مشی، رویه دیپلماسی رفتار منطق.» (میرزایی، ۱۳۸۹، ص ۳۷۱). غفرانی نوشته است: «السیاسی: سیاستمدار، دیپلمات.» (غفرانی، ۱۳۸۸، ص ۳۴۶) با توجه به کاربرد واژه سیاست در عصر حاضر می‌توان گفت منابع دسته دوم بر منابع دسته اول ترجیح دارند.

منابع فارسی نیز سیاست را بیشتر به حکومت داری، رعیت داری و اداره مملکت معنا کرده‌اند. دهخدا (دهخدا، ۱۳۳۹، ج ۲۵، ص ۷۴۲) و معین (معین، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۳۷۲) همین عبارات را آورده‌اند. فرهنگ فارسی عمید نیز می‌خوانیم: «سیاست: اداره کردن امور مملکت، مراقبت امور داخلی و خارجی کشور... مردم داری» (عمید، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۱۲۵۶) بنابراین سیاست در لغت به معنای «حکومت کردن بر مردم و اداره امور داخلی و خارجی کشور» می‌باشد.

در اصطلاح اندیشمندان و صاحب نظران، تعاریف مختلفی از سیاست وجود دارد. عالم می‌نویسد: «سیاست رهبری صلح آمیز یا غیر صلح آمیز روابط میان افراد، گروه‌ها، احزاب، نیروهای اجتماعی و کارهای حکومتی در داخل یک کشور و روابط میان یک دولت با دولت‌های دیگر در عرصه جهانی است.» (عالم، ۱۳۷۵، ص ۳۰). عمید زنجانی نیز نوشته است: «سیاست به معنی مدیریت کلان دولت و راهبرد امور عمومی در جهت مصلحت جمعی و انتخاب روش‌های بهتر در اداره شوون کشور یا علم اداره یک جامعه متشکل و یا هنر تمشیت امور مردم در رابطه با دولت است.» (عمید زنجانی، ۱۳۹۰، ص ۷۶)

در کتاب فرهنگ علوم سیاسی نیز سیاست دو معنای عام و خاص دارد: «سیاست... در معنی خاص علم و هنر راهبری یک دولت و در معنی عام هر نوع روش اداره یا بهبود امور شخصی یا اجتماعی است... تدابیری که حکومت به منظور اداره امور کشور اتخاذ می‌کند.» (آقا بخشی و افشاری‌راد، ۱۳۷۹، ص ۴۵۴)

ویژگی تعاریف فوق این است که در آن‌ها «کانون تحلیل سیاسی، معمولاً با اصطلاحات عمومی، حکومتی و دولت، مشخص و معین می‌شود. در این صورت علم سیاست، بنابر این اصطلاحات، با حوزه عمومی، دولت و حوزه فعالیت حکومت سر و کار دارد.» (های، ۱۳۹۲، ص ۱۱۹) های در رابطه با محدود کردن تحلیل سیاسی به اموری که سیاست مرسوم و متعارف با آن سر و کار دارد می‌نویسد:

«... تحلیل سیاسی ای که گستره دید خود را به آنچه به چنین صورت رسمی و حقوقی [یعنی مرتبط با دولت، حکومت و فرایند حکومت کردن به معنای محدود آن] تعیین می‌شود محدود کند، از این لحاظ، شریک جرم سیاست رسمی است که این گونه مبادرت به حذف حوزه‌ها و موضوع‌ها می‌کند. نتیجه چنین کاری شاید چیزی باشد که صرفاً علم دولت نیست، بلکه علمی است برای دولت.» (های، ۱۳۹۲، ص ۱۲۱)

بهر روزی لک به تعریفی اشاره می‌کند که وجه مشترکی از تعاریف سیاست را داراست. وی سعی کرده است محدودیت تعریف‌های رایج سیاست را کنار بزند:

«شاید جامع‌ترین تعریف از فعل سیاسی عبارت باشد از رابطه قدرت در جامعه. برخی هم سیاست را با دولت پیوند می‌زنند. برخی معتقدند سیاست عبارت است از کاری که دولت انجام می‌دهد. تعاریف دیگری نیز مطرح شده است. در سنت اسلامی هم مراد از سیاست، استصلاح خلق است. به هر حال چه مراد از سیاست، قدرت باشد، چه دولت و چه استصلاح، سیاست نوعی رابطه راهبری در عرصه اجتماعی است. طبعاً هر نوع راهبری مستلزم رابطه قدرت می‌باشد.» (بهر روزی لک، ۱۳۹۳)

برای تعریف نهایی از اصطلاح سیاست، بایستی دو نکته را مد نظر قرار دهیم:

تعرف سیاست به قدرت مشکل دیگری را پدید می‌آورد و آن این است که خود قدرت مفهوم پر مناقشه ای است. البته می‌توان وجه مشترکی را از کلیه تعاریف قدرت استخراج

کرد: «تعاریفی که از قدرت ارائه می‌شود، بیان‌گر این رابطه‌اند که "الف" بر "ب" برای رسیدن بر "ج" تاثیر می‌گذارد... این سه عنصر وجه مشترک کلیه تعریف‌های قدرت است... و قدرت بدون این سه عنصر شکل نمی‌گیرد.» (بهرروزی لک و احمدی سفیدان، ۱۳۹۳، ص ۵۸)

سه رویکرد فضیلت‌مدارانه، آزادی‌مدارانه و رهایی‌مدارانه به قدرت وجود دارد که با توجه به نگرش و تفکر اسلامی، سیاست‌مدنظر در این نوشتار، رویکرد فضیلت‌مدارانه را دنبال می‌کند.

با توجه به تعاریف فوق و نکات یاد شده، سیاست‌تعریف می‌شود به: «فرایند اعمال کلان‌قدرت، برای فضیلت‌مند ساختن جامعه».

۳. مفهوم هدایت سیاسی و بایدهای آن

پس از روشن شدن معانی دو واژه هدایت و سیاست، هدایت سیاسی را می‌توان فرایند راهبری هدایت‌شوندگان در جامعه، توأم با فرادستی و از موضع قدرت دانست که به سمت فضیلت‌مند ساختن جامعه انجام می‌گیرد. بایسته‌ها و الزاماتی که این راهبری و هدایت دارد نیز، بایسته‌های هدایت سیاسی هستند.

۴. واژه‌های مرتبط با هدایت و سیاست

در بحث از بایدهای هدایت سیاسی، بایستی واژگان مشابه و نزدیک به دو واژه هدایت و سیاست در قرآن کریم را نیز مورد بررسی قرار داد. پس از بررسی‌های صورت گرفته در رابطه با واژه هدایت، فقط واژه رشد یافت شد. ابن‌فارس «رشد» را پایداری بر راه می‌داند و آن را مقابل «غی» ذکر می‌کند. در این منبع و منابع دیگر، واژه مقابل رشد، غی (بی‌هدفی) یا ضلال (گمراهی) ذکر شده است. (ابن‌فارس، ۱۳۸۷، ص ۳۷۶؛ مصباح المنیر، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۲۷) صاحب «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم» «رشد» را به

معنایی خاص‌تر از هدایت معنا می‌کند: «رشد دارای یک ریشه است و به معنای هدایت شدن به خیر و صلاح است... و رشد در مقابل «غی» است.» (مصطفوی، بی تا، ج ۴، ص ۱۴۰)

در رابطه با واژه سیاست، گفته شد که این واژه با مفهوم قدرت رابطه تنگاتنگی دارد. به همین دلیل، آیاتی که در آنها واژه‌های قدرت، مکتب، سلطان و واژگان مشابه به کار رفته است مورد بررسی قرار می‌گیرند. واژه‌های دیگری هم هستند که آیات متضمن آن واژه‌ها، ما را به هدایت سیاسی رهنمون می‌کنند. مانند امام، بقیه و ولی. توضیحات واژه‌های فوق در توضیح ذیل آیه‌های مورد نظر آمده است.

بررسی کلیات و روش پژوهش

۱. چستی تفسیر موضوعی

تفسیر قرآن کریم به دو شیوه ترتیبی و موضوعی صورت می‌گیرد. در تفسیر ترتیبی مفسر از ابتدای قرآن کریم در مفاهیم و مدلول‌های آیات دقت نظر و کاوش می‌کند تا مقصود از مفردات و جملات در آیات را دریابد. اما در تفسیر موضوعی، هدف مفسر جمع کردن آیات پراکنده در قرآن با موضوع واحد است تا از این طریق رای قرآن کریم را در آن موضوع از سراسر قرآن کشف و استخراج کند. شهید صدر درباره نقایص تفسیر ترتیبی یا تجزیه ای می‌گوید:

«در این روش، مفسر از شناخت تعداد زیادی از معارف و مفاهیم قرآن برخوردار می‌شود، ولی به صورت پراکنده و روی هم انباشته، بدون اینکه بتواند در پایان کار، نظر قرآن را در مورد هر یک از زمینه‌های زندگی که آیاتی درباره آنها نازل شده است، تعیین کند. در اینجا، فقط انباشته ای از معلومات وجود دارد... و پیوندی نیست که این مفردات را به هم مربوط سازد و از لحاظ فکری نظر قرآن را در هر یک از موضوعات مختلف به دست دهد.» (صدر، بی تا، ص ۱۰)

روش تفسیری شهید صدر، روش تفسیری موضوعی است. وی می‌نویسد:

«در این روش، آیات قرآن تقطیع نمی‌شود و بررسی روی آیات به طور آیه به آیه انجام نمی‌گیرد، بلکه مفسر می‌کوشد تحقیقات خود را روی یک موضوع از موضوعات زندگی، اعتقادی، اجتماعی و جهانی که قرآن متعرض آن شده، متمرکز سازد و درباره آن موضوع از قرآن استفاده کند...» (صدر، بی تا، ص ۱۱)

«{علاوه بر اینکه} مفسر توحیدی، قبل از اینکه بخواهد به یکی از موضوعات زندگی، یا ایدئولوژی یا اجتماعی و جهانی دست پیدا کند، باید روی آن موضوع، دقت و تمرکز کافی مبذول داشته و از تجارب و اندیشه‌های دیگران مطالبی بیاموزد و از راه حل‌هایی که اندیشه انسانی مطرح کرده چیزهایی بداند و سرانجام، از خالهای موجود با خبر باشد...» (صدر، بی تا، ص ۱۶)

روش تفسیر موضوعی ابداعی شهید صدر، تفسیر استنتاجی است که با روش معمول تفسیر موضوعی تفاوت دارد. در روش مرسوم که روش استخراجی نامیده می‌شود، موضوعی از داخل قرآن انتخاب می‌شود و آیات قرآن در این باره جمع آوری می‌شود. اما در روش تفسیر استنتاجی، موضوعی از موضوعات رایج انتخاب و به قرآن عرضه می‌شود. آنچه که در این نوشتار مورد پژوهش قرار می‌گیرد، موضوع باید‌های هدایت سیاسی است. این موضوع علاوه بر اینکه از مسائل سیاسی است، زیر مجموعه مبحث هدایت سیاسی می‌باشد که خود از مسائل مورد ابتلاء و ضروری جامعه اسلامی است. در این تحقیق، موضوع فوق به قرآن کریم عرضه شد و آیات آن جمع آوری گردید، سپس با استفاده از روش تحلیل مضمون که در ادامه خواهد آمد، داده‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

۲. چگونگی تفسیر موضوعی

مراحلی که برای تفسیر موضوعی ذکر شده است عبارت است از:

۱. مشخص ساختن موضوع و حدود آن. موضوع این تحقیق، الزامات و بایدهایی است که هدایت سیاسی بایستی توأم با آن باشد.

۲. جمع آوری آیات حول موضوع با دو روش واژه کاوی و معنا کاوی.

«روش لغت کاوی آن است که آیات و روایاتی که در متن آن‌ها به لغت مورد نظر یا مشتقات آن اشاره شده، استخراج شده و از آن استفاده می‌شود. در روش معنا کاوی، محقق خود را محدود به لغت و کلمه خاص نمی‌کند، بلکه محتوای سند برای وی رجحان دارد. هر چند ممکن است در متن سند، هیچ اشاره‌ای به واژه مورد نظر نشده باشد ولی پژوهشگر از قرائن و شواهد دیگر در می‌یابد که محتوا، بر مفهوم مورد تحقیق اشاره دارد.» (مهرابی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۳)

در تحقیق حاضر، به دلیل اینکه واژه سیاست در قرآن کریم ذکر نشده است، برای یافتن آیات هدایت سیاسی از روش معنا کاوی استفاده شد.

۳. تفسیر آیات به وسیله:

الف) جمع بندی بین آیات دارای موضوع انتخابی «جمع مطلق و مقید، عام با خاص، مجمل با مبین، متشابه با محکم و ...»؛

ب) توجه به جایگاه آیه در آیات سوره؛

ج) استفاده از روایات. (یدالله پور، ۱۳۸۳، ص ۵۰ [با تلخیص])

تفسیر آیات قرآن کریم با توجه به موارد فوق، خبرگی بالایی می‌طلبد. نگارنده برای پژوهش حاضر به دلیل عدم این توانایی از تفاسیر معتبر موجود مانند المیزان، مجمع البیان و تفاسیر دیگر استفاده کرده است.

۳. رابطه بحث‌بایدهای هدایت سیاسی با قرآن کریم

بحث از ارتباط قرآن کریم با بایدهای هدایت سیاسی و ورود آن به این مبحث، ما را به بحث ارتباط دین و سیاست می‌کشاند. اگر ارتباط بین دین و سیاست روشن و ثابت شد، رابطه بحث‌بایدهای هدایت سیاسی که زیر مجموعه‌ای از علم سیاست است با قرآن کریم روشن می‌شود.

در ابتدا تعریف دین ضروری به نظر می‌رسد. دین را به مجموعه به هم پیوسته‌ای از باورها و اندیشه‌های برگرفته از وحی الهی در رابطه با جهان، انسان، جامعه و جهان پس از مرگ تعریف کرده‌اند که هدف آن هدایت انسان به سوی روش بهتر زیستن و کامل‌تر شدن است. البته نباید دین را صرف باورها و اندیشه‌هایی تصور کرد که جدا از اعمال و رفتارها هستند، بلکه یک سری اعمال و رفتارهای مطابق با آن اندیشه‌ها و باورها - که مجموعه آن‌ها شریعت نامیده می‌شود- نیز ملاک دین داری محسوب می‌شود. بنابراین شاخص همیشگی و ماهوی دین، اندیشه نظام یافته در زمینه جهان بینی و شریعت است. (عمید زنجانی، ۱۳۹۰، ص ۷۴)

«بدون تردید بخشی از انسان زندگی جمعی اوست و بخشی از جامعه نیز سیاست و حکومت است. دین با چنین تعریف، شاخص و هدفی، چگونه می‌تواند از این بخش مهم از زندگی انسان غافل باشد و مدعی هدایت وی به سرنوشتی بهتر در دنیا و آخرت باشد؟» (عمید زنجانی، ۱۳۹۰، ص ۷۵) با این وصف، ارتباط بین دین با سیاست و برنامه داشتن دین برای آن، بدیهی به نظر می‌رسد «و از مصادیق روشن قاعده منطقی و فلسفی «قضا یا قیاساتُها مَعَهَا» می‌باشد.» (عمید زنجانی، ۱۳۹۰، ص ۷۶)

آیت الله جوادی آملی در بیان پیوند سیاست و حکومت با قرآن کریم به دو مصداق

اشاره می‌کنند:

«اول: قرآن، کمال دین و تمام نعمت را در تعیین رهبر و ولی جامعه می‌داند: «...»
الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی ...»^۱ و در پرتو ولایت و رهبری مسلمانان
امید دشمنان اسلام به یاس می‌گراید «... الیوم یئس الذین کفروا من دینکم فلا تخشوه
و اخشون...»^۲. دوم: با ظهور آخرین ولی معصوم از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم
السلام، دین اسلام که سند سیاست الهی است بر هر دینی پیروز می‌شود: «... لیظهره
علی الدین کله...»^۳. روشن است که جنگ با مشرکان و تمامیت دین خدا و برچیدن
هرگونه دین غیر خدایی، بدون زعامت و رهبری سائسان الهی شدنی نیست. «(جوادی
آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۶، ص ۱۵۵-۱۵۶)

اگر در بخش‌های مختلف آیات قرآن کریم دقت نظر صورت گیرد، در می‌یابیم که
بخش‌هایی از آیات قرآن کریم، در رابطه با سیاست و حکومت است. لک زایی آیات
سیاسی قرآن کریم را در چهار گروه تقسیم بندی می‌کند:

۱. آیاتی که تاریخ امت‌های گذشته را بیان کرده و عمدتاً تاریخ حکومت‌ها و
نظام‌های سیاسی الهی همچون حکومت حضرت داوود و حضرت سلیمان علیهما السلام و
حکومت طالوت و نظام‌های سیاسی غیر الهی همچون حکومت فرعون، نمرود و جالوت را
شامل می‌شود.

۲. آیاتی که عوامل زوال و بقای جوامع و حکومت‌ها و امت‌ها را بیان کرده‌اند. مانند
آیه «... إِنَّ اللَّهَ لَا یَغَیِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ یَغَیِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ...»^۴

۱. مائده/۳.

۲. مائده/۳.

۳. توبه/۳۳.

۴. رعد/۱۱.

۳. آیاتی که بیانگر مبانی و اصول حکومت الهی و اسلامی است. مانند اصل نفی سبیل در روابط بین الملل دولت اسلامی، اصل شورا در مسائل عمومی داخل جامعه اسلامی و اصل بازدارندگی و دفاع در مسائل امنیتی و نظامی.

۴. آیاتی که مباحث و مسائل حکومت پیامبر اسلام صلی الله در آن مطرح شده است. در این آیات، مسائل مربوط به نظام دفاعی اسلام، قوانین جزایی و کیفری اسلام، نظام نظارتی اسلام و برخی مباحث مربوط به تاریخ سیاسی اسلام مطرح شده است. (لک زایی، ۱۳۸۶، ص ۶۷ و ۶۸)

۴. روش پژوهش: روش تحلیل مضمون

روش پژوهشی مورد استفاده در این نوشتار، روش تحلیل مضمون است که جزو روش‌های پژوهشی کیفی است. «پژوهش کیفی، هر نوع پژوهش است که یافته‌هایی تولید کند که با توسل به عملیات آماری یا سایر روش‌های شمارشی به وجود نیامده باشد. موضوع پژوهش کیفی می‌تواند زندگی اشخاص، تجربه‌های زندگی، رفتارها، هیجان‌ها، احساس‌ها و نیز کارهای سازمانی، جنبش‌های اجتماعی، پدیده‌های اجتماعی و تعاملات میان ملت‌ها باشد». (مبانی پژوهش کیفی / ۳۲)

تحلیل مضمون، روشی است که هم برای بیان واقعیت و هم برای تبیین آن به کار می‌رود. (شیخ زاده، ۱۳۹۰، ۱۵۸. به نقل از: Braun & Clarke, 2006) در معرفی این روش، می‌توان گفت که تحلیل مضمون روشی جداگانه در کنار دیگر روش‌های کیفی نیست. بلکه این روش فرایندی است که در اکثر روش‌های کیفی به کار می‌رود. تحلیل بر طبق این روش، به وسیله مضمون‌ها صورت می‌گیرد. «مضمون یا تم، مبین اطلاعات مهمی درباره داده‌ها و سوالات تحقیق است و تا حدی، معنی و مفهوم الگوی موجود در مجموعه‌ای از داده‌ها را نشان می‌دهد.» (شیخ زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۵۹. به نقل از: Braun & Clarke, 2006).

در رابطه با یافتن مضمون در داده مورد نظر، توجه به اصول «تکراری بودن مضمون»، «تمایز داشتن مضمون» و «هدفمندی جستجو» ضروری است. بر طبق این اصول، مسئله‌ای را که صرفاً یک بار در متن داده‌ها ظاهر شود نمی‌توان مضمون به حساب آورد. همچنین مضمون‌ها باید از یکدیگر متمایز باشد. در آخر محقق باید مشخص کند در داده‌ها باید دنبال چه چیزی باشد؟ و از چه چیزهایی باید صرف نظر کند؟ (شیخ زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۶۱)

روش تحلیل مضمون به وسیله روش‌ها و قالب‌هایی قابل انجام است که هر کدام از آنها برای تحقیق با ویژگی‌های خاصی مناسب هستند. در این پژوهش از روش شبکه مضامین استفاده می‌شود. در روش شبکه مضامین، مضمون‌ها در سه سطح دسته بندی و سازمان دهی می‌شوند. در این روش، مضامین پایه، مضامین سازمان دهنده (تشکیل شده از مضامین پایه) و مضامین فراگیر (تشکیل شده از مضامین سازمان دهنده و در بردارنده مضمون یا مضامین اصلی حاکم بر متن) استخراج خواهند شد. حاصل شکلی کار، نقشه ای شبکه ای و تارنما گونه است که مضامین و روابط میان آن‌ها را در سه سطح مرتبط با یکدیگر نشان می‌دهد.

مراحل تحلیل مضمون

فرایند تحلیل مضمون به سه مرحله تقسیم می‌شود:

الف) تجزیه و توصیف متن

ب) تشریح و تفسیر متن

ج) ادغام و یکپارچه کردن مجدد متن. (شیخ زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۷۷. به نقل از:

(Attride-Stirling, 2001)

در بخش اول، مضامین پایه ایجاد می‌شوند. برای شناخت بهتر مضامین پایه، مطالعه کل داده‌ها حداقل یکبار ضروری است. مضامین پایه در واقع از ادغام و ساماندهی کدها به وجود می‌آیند. «هر جمله یا کلمه ای [از داده‌ها] که دربرگیرنده یک مفهوم قابل درک باشد می‌تواند مبنای انتخاب یک کد باشد.» (توانمند سازی / ۱۳۴)

پس از شناسایی مضامین پایه، در مرحله دوم، شبکه مضامین ایجاد خواهد شد. در این مرحله، بایستی مضامین سطح بندی شوند. در این گام، برخی مضامین به عنوان مضمون پایه و برخی دیگر به عنوان مضمون فراگیر در شبکه مضامین جا داده می‌شوند. مضمون سازمان دهنده از مجموعه ای از مضامین پایه به وجود آمده است و سطحی انتزاعی‌تر از مضمون پایه را دارا می‌باشد. مضمون فراگیر نیز دارای بالاترین سطح مضامین است و بازگو کننده مهم‌ترین و اساسی‌ترین نکته و مساله در داده هاست.

در این گام، شبکه‌های مضامین رسم‌شده، بررسی و تجزیه و تحلیل می‌شود. البته شبکه‌های مضامین، ابزاری برای تحلیل هستند نه خود تحلیل. این شبکه‌ها به محقق کمک می‌کند تا به درک عمیق‌تری از معانی متون برسد و بتواند مضامین به‌دست‌آمده را تشریح کند و الگوهای آن‌ها را بشناسد. (شیخ زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۸۲. به نقل از: Attride-Stirling, 2001)

در مرحله سوم و آخر، گزارش نهایی تحقیق از مضامین شکل گرفته ارائه می‌شود. هدف کلی از تحلیل مضمون این است که موارد پراکنده و پیچیده در متن، به شکلی ساماندهی و بیان شود که مخاطب و خواننده را متقاعد کند. این گزارش بایستی حکایتی منطقی و غیر تکراری را بیان کند.

برای ارزیابی یک تحلیل مضمونی، راه‌هایی پیشنهاد شده است، از جمله: استفاده از کدگذاران مستقل و گروه خبرگان، دریافت بازخورد از پاسخ‌دهندگان، به‌کارگیری تطابق

همگونی و عرضه توصیفی غنی و ثبت سوابق ممیزی. در این پژوهش از آراء و نظرات جمعی از خبرگان برای استخراج مضامین بهره گرفته شده است.

بایسته‌های هدایت سیاسی در قرآن کریم

قبل از بحث درباره بایسته‌های هدایت سیاسی، ضروری است توضیحاتی پیرامون هدایت سیاسی در قرآن کریم داده شود. در این قسمت، آیاتی در رابطه با هدایت سیاسی در قرآن کریم را ارائه می‌کنیم.

۱. هدایت سیاسی در قرآن کریم

همانطور که ذکر شد، واژه سیاست در قرآن کریم ذکر نشده است. البته واژگانی دیگری هستند که معنای سیاست از آن‌ها فهمیده می‌شود، مانند: شداد، سلطان، بقیه و تمکین. لازم به ذکر است که این مضامین سیاسی، در زمینه‌هایی ذکر شده‌اند که معمولاً با مضمون هدایت توأم هستند. بنابراین از این آیات می‌توان هدایت سیاسی را استخراج کرد.

علاوه بر این، رویکرد قرآن کریم به هدایت سیاسی، یک رویکرد مثبت و حتی رویکرد ترجیحی (در مقابل هدایت غیر سیاسی) است. مواردی مانند دعا کردن برای دارا شدن هدایت سیاسی و تاسف خوردن قرآن از نبود هدایت سیاسی، مطلوبیت هدایت سیاسی را از منظر قرآن کریم اثبات می‌نماید. بر این اساس، می‌توان آیاتی که هدایتگری صرف در آن طرح شده است و الزاماتی را برای هدایت مطرح می‌کند، به عنوان الزامات هدایت سیاسی در نظر گرفت.

آیات متعددی در قرآن کریم، هدایت سیاسی را بیان می‌کنند. زمانی که حضرت موسی علیه السلام برای هدایت و انذار به سوی فرعونیان رهسپار می‌شود، نزد خداوند دعایی می‌کند. ایشان علاوه بر اینکه ترس خویش را نسبت به تهدید فرعون ابراز می‌دارد،

از خداوند در خواست نیرویی می‌کند که او را استوار سازد. «وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي.. هَارُونَ أَخِي.. اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي»^۱ خداوند متعال در جواب این درخواست، دو همراه که موجب قدرت و برتری حضرت است را به ایشان عطا می‌کند: «قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَانًا...»^۲

همراه نخست حضرت موسی، یاوری انسانی و برادر ایشان است. طبق بیان قرآن کریم، قدرت حضرت موسی با اضافه شدن جناب هارون افزون می‌گردد: «سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ...». همراه دیگر آن حضرت، امداد الهی است. حضرت موسی و هارون به برکت این امداد، قدرت و برتری پیدا می‌کنند که موجب عدم دستیابی دشمنان به ایشان می‌شود: «وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَانًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا...»

در آیه دیگری، خداوند کسانی را که دارای قدرت و شخصیتی هستند و نهی از منکر نمی‌کنند توبیخ می‌کند: «فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ...»^۳ واژه «اولوا بقیه» به معنای اشخاص و نفرات باقی مانده است. این کلمه معمولاً در لغت عرب به معنی اولوا الفضل (صاحبان فضیلت و شخصیت و نیکان و پاکان) گفته می‌شود. در میدان مبارزات اجتماعی همواره آنها که ضعیف ترند، زودتر از صحنه خارج می‌شوند یا نابود می‌گردند، و تنها آنها باقی می‌مانند که از نظر تفکر و یا نیروی جسمانی قوی ترند. به همین دلیل باقیمانندگان نیرومندانند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص: ۲۷۶)

در آیه فوق کسانی را که توان نهی از منکر را دارند سرزنش می‌کند. این گونه افراد می‌توانند از موضع قدرت و شخصیت، مردم را هدایت کنند. هدایتگری بی که قرآن کریم در این آیه از نبود آن تاسف می‌خورد، هدایت سیاسی است.

۱. طه/۲۹-۳۱.

۲. اسرا/۸۰.

۳. هود/۱۱۶.

مطلوبیت هدایت سیاسی از آیات دیگری نیز فهمیده می‌شود. در آیه ۸۰ سوره اسراء، پیامبر اسلام که هدایتگر جامعه است، از خداوند در خواست «سلطان نصیر» می‌کند: «...وَأَجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا»^۱. بسیاری از مفسران، سلطان نصیر را یاوران و وزیرانی انسانی دانسته‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۲۲۶؛ قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۷، ص ۱۰۷) در کنز الدقائق آمده است: مقصود پیامبر اسلام از این دعا، می‌تواند پادشاه و فرمانروایی باشد که او را در ترویج اسلام یاری بخشد. (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۷، ص ۴۹۰)

در آیه دیگر، هدایت توام با قدرت و حکومت جزو نعمت‌های خداوند شمرده شده است. در آیه ۶ سوره قصص، خداوند متعال، یکی از نعمت‌هایی را که به بنی اسرائیل عطا می‌کند، مکننت دادن و قدرت دادن به مستضعفان است: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَيْمَةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ.. وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ..». نعمت دیگر، امام قرار دادن و پیشوا قرار دادن آنان بر روی زمین است که ارتباط نزدیکی با هدایتگری دارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۱۰ و ۴۱۱) اهمیت هدایت سیاسی در این آیه در این است که توام با منت قرار دادن آن^۲ و تعلق اراده قطعی خداوند به تحقق بخشیدن به آن است.

۲. بایسته‌های هدایت سیاسی در قرآن کریم

برای یافتن آیات مرتبط با بایدهای هدایت سیاسی، از روش معنا کاوی نیز استفاده شد. در این روش، محقق به دنبال آیاتی است که از جهت معنا و مضمون با بحث الزامات هدایت سیاسی در ارتباط باشد، اگر چه واژگان هدایت، سیاست یا قدرت در آن وجود نداشته باشد. پس از جستجوها و کاوش در تمامی سوره‌های قرآن کریم که جمعا بیش از

۱. اسراء/۸۰.

۲. هر نعمت سنگین و گرانبهایی را «منت» می‌گویند که اگر جنبه عملی داشته باشد یعنی کسی عملا نعمت بزرگی به دیگری بدهد کاملا زیبا و ارزنده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۵۸)

۶۰۰۰ آیه را شامل می‌شود، نزدیک به ۱۰۰ آیه یافت شد که الزاماتی را برای هدایت سیاسی بیان می‌کرد. البته این آیات به غیر از آیاتی است که ابعاد دیگر هدایت سیاسی، از جمله موانع هدایت سیاسی، ثمرات هدایت سیاسی و ... را بیان می‌کند.

آنچه که در آیات فوق مشاهده شد، مفاهیمی بود که به طور مستقل و یا به ضمیمه آیات دیگر، بیانگر بایدهای هدایت سیاسی بود. از مجموع آیات فوق، آیات تکراری آن حذف شد و از آیات باقی مانده کدهایی استخراج گردید. از جمع بندی کدها، ۲۷ مضمون پایه ایجاد شد. بعد از این گام، از دسته بندی و مقایسه مضامین پایه، مضامین سازمان دهنده به دست آمد. مضمون فراگیر در این پژوهش، عنوان بایسته‌های هدایت سیاسی می‌باشد. بایسته‌های هدایت سیاسی، همچون حلقه وصلی است که مضامین سازمان دهنده را با یکدیگر مرتبط می‌سازد.

استقامت

مضمون استقامت دارای دو مضمون پایه «استقامت مومنانه» و «عدم پیروی از جاهلان» است. امر هدایت بدون استقامت هادی به شکست می‌انجامد. اهمیت استقامت در هادی، به این دلیل که بار هدایت دیگران را نیز به دوش می‌کشد بسیار بالاست. در اهمیت استقامت همین بس که پیامبران الهی برای پیشبرد هدایت خویش از سوی خداوند به استقامت امر شدند.

البته استقامتی موثر در هدایتگری است که توأم با ایمان و یقین هادی به آیات پروردگار باشد: «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ...»^۱ و از آنها امامان (و پیشوایانی) برگزیدیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می‌کردند بخاطر اینکه شکیبایی نمودند و به آیات ما یقین داشتند.» «مساله رهبری لحظه‌ای از مشکلات خالی

نیست، و در هر گام شخص رهبر و پیشوای مردم با مشکل جدیدی روبرو می‌شود که باید با نیروی یقین و استقامت مداوم به مبارزه با آن برخیزد، و خط هدایت به امر الهی را تداوم بخشد.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۱۶۶)

استقامت ورزی هم در هادی و هم در هدایت شونده ضروری است، که البته بار اصلی استقامت هدایت شونده‌گان بر عهده هدایتگر است. استقامت باید همواره توأم با عمل به وحی و حکم شرع و همچنین عمل از روی علم باشد. به همین دلیل پیروی از جاهلان نهی شده است. خداوند به حضرت موسی ع می‌فرماید: «وَلَا تَتَّبِعَنَّ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ...^۱ و از راه (و رسم) کسانی که نمی‌دانند تبعیت نکنید.»

اصلاح گری

مضمون اصلاح گری دارای دو مضمون پایه «اصلاح توأم با عدم پیروی از روش مفسدان» و «اراده اصلاح گرانه» است. امر اصلاح، مختص به حاکم و رهبر جامعه نیست. مومنان جامعه، خود نیز باید یکدیگر را اصلاح کنند و خصومت‌های میان خود را برطرف سازند: «أَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ... و خصومت‌هایی را که در میان شماست، آشتی دهید!»^۲ بر این اساس، مومنان باید هدایتگر خویش باشند و اختلاف‌ها و فسادها را سر و سامان دهند. امر رهبری نیز توأم با اصلاح گری است که لازمه آن دوری جستن از روش کسانی است که دنبال فساد هستند. هدف انبیاء علیهم السلام، اصلاح انسان‌ها و جوامع بشری است. (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۳۷۲) البته اصلاح زمانی نتیجه بخش است که اراده اصلاح گری وجود داشته باشد. هدایتگر بایستی نشانه‌هایی را برای وجود این اراده، از جمله اصلاح عملی خود و عدم درخواست اجر و مزد قرار دهد. شعیب(ع) به منظور تتمیم

۱. یونس/۸۹

۲. انفال/۱.

فایده و دفع هر تهمت‌ی که ممکن است به وی بزنند گفت: «وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ»^۱

آزمایش محوری

این مضمون دربردارنده دو مضمون پایه «آزمایش دادن هدایتگر» و «آزمایش کردن مومنان» است. هدایتگری و هدایتگری سیاسی در جامعه امری است که متولی آن بایستی آزمون پس داده باشد که بتواند دیگران در مسیر هدایت پیش ببرد. حضرت ابراهیم برای رسیدن به درجه امامت و هدایتگری، مورد ابتلاء و آزمون قرار گرفت. «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا... (به خاطر بیاورید) هنگامی که خداوند ابراهیم را با وسائل گوناگونی آزمود، و او بخوبی از عهده آزمایش بر آمد، خداوند به او فرمود: من تو را امام و رهبر مردم قرار دادم.»^۲

از آیه فوق به خوبی استفاده می‌شود که برای منصوب کردن افراد به مقامات، گزینش و آزمایش لازم است. همچنین پست‌ها و مسئولیت‌ها باید تدریجاً و پس از موفقیت در هر مرحله به افراد واگذار شود. (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۹۸) هدایتگر همچنین باید هدایت پذیران را مورد آزمون قرار دهد. به وسیله آزمایش و ابتلاء، صف مومنان حقیقی از مومنان ظاهری معلوم می‌شود و می‌توان فهمید در راه حرکت به مقصد، چه مقدار یاورانی هادی را همراهی می‌کنند.

به استقامت واداشتن مومنان

این مضمون، دارای سه مضمون پایه «به استقامت واداشتن مومنان»، «دعوت به استعانت از خدا و صبر» و «امید بخشی به مردم» است. علامه طباطبایی استقامت را این

۱. شعراء/۱۶۴.

۲. بقره/۱۲۴.

گونه معنا می‌کنند: «استقامت به معنای استدعای [طلب] ظاهر شدن تمامی آثار و منافع آن چیز است... همچنین استقامت آدمی در یک کار این است که از نفس خود بخواهد که در باره آن امر قیام نموده آن را اصلاح کند، بطوری که دیگر فساد و نقص به آن راه نیابد و به حد کمال و تمامیت خود برسد...» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۶۲ و ۶۳) ویژگی هدایت در این است که هادی بایستی هدایت شونده‌گان را با خود همراه کند. به همین دلیل تزریق استقامت به آنان از شوون هدایتگری است.

در همین راستا هدایتگر جامعه، همراه با بروز مشکلات و سختی‌ها، مومنان را به شکیبایی و یاری جستن از خدا دعوت می‌کند. حضرت موسی ع برای امید بخشی به بنی اسرائیل، آنان را دعوت به نیرو گرفتن و طلب یاری از خداوند متعال کرد و وعده‌های الهی به آنان را یادآور نمود و آنان را به صبر و مقاومت فرا خواند: «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا...^۱ موسی به قوم خود گفت از خدا یاری جوئید و شکیبایی پیشه کنید». او وعده‌های الهی را به آنان یادآور می‌شود و به همین وسیله امید را در جامعه زنده می‌کند و استقامت ورزی را بیشتر می‌سازد.

تبیین کامل دین

این مضمون در بردارنده دو مضمون پایه «آموزش کتاب و حکمت» و «تبیین حقایق کتمان شده» است. یکی از شوون هدایتگری همانطور که در آیاتی در قرآن کریم آمده است، آموزش قرآنی و آموزش حکمت می‌باشد. پیامبران و هر هدایتگری وظیفه دارد تا اذهان متعلمین را نسبت به قرآن و معارف قرآنی آشنا کند و آنان را نسبت به آن ارشاد نماید. علامه طباطبایی در بیان معنای حکمت می‌نویسد: «حکمت عبارت است از رأی و عقیده‌ای که در صدقش محکم باشد، و کذبی مخلوط به آن نباشد، و نفعش هم محکم باشد، یعنی ضرری در دنبال نداشته باشد.» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۴۵۶ و ۴۵۷)

آموزش گری هادیان بایستی کامل و تمام باشد. قرآن کریم، یکی از اهداف آمدن پیامبر خاتم را تبیین احکام و حقایق می‌داند که تا قبل از آمدن آن حضرت مخفی و دور از دسترس مردم نگه داشته شده بودند: «يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِّمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ...»^۱ بسیاری از حقایق کتاب آسمانی را که شما کتمان کردید روشن می‌سازد». خداوند عالمان اهل کتاب را به دلیل تحریف کتب آسمانی و عدم نشر بسیاری از احکام و حقایق آن، نکوهش می‌کند.

حفظ دین

این مضمون دربردارنده دو مضمون پایه «امانت داری عالمان در دین» و «عدم اختلاف در دین» است. عالمان که هدایتگری در جامعه اسلامی را به عهده دارند، به این دلیل که مجری احکام اسلام و پیش برنده جامعه بر طبق برنامه‌های اسلام هستند، وظیفه حفظ دین از تحریف و وظیفه نشر صحیح آن را بر عهده دارند.

آنان به واسطه اینکه حفاظت از دستورات کتاب آسمانی به آنان سپرده شده است، به آن خیانت نمی‌کنند و آن را به هیچ بهایی نمی‌فروشند: «إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَ نُورٌ يَحْكُمُ بِهَا ... الْأَخْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ...»^۲ همانا ما تورات را نازل کردیم (که) در آن هدایت و نور است... دانشمندان، بر طبق این کتاب آسمانی که حفاظت آن به آنان سپرده شده بود داوری می‌کردند.»

مانع در این راه، اختلاف عالمان در دین است. به همین دلیل در آیه ... سوره شوری، توام با دستور به اقامه دین، نهی از تفرقه و اختلاف در دین هم ذکر شده است: «أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ...»^۳ دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید». عدم تفرقه در آیه

۱. مائده/۱۵.

۲. مائده/۴۴.

۳. شوری/۱۳.

به این معناست که «بر همه مردم واجب است که... در انجام این وظیفه تبعیض قائل نشوند، که پاره‌ای از احکام دین را به پا بدارند، و پاره‌ای را رها کنند.» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۳۹)

عدالت ورزی

مضمون عدالت ورزی دارای سه مضمون پایه «حکم کردن عادلانه»، «عدالت ورزی با مردم» و «امر به عدالت ورزی» است. در قرآن کریم، فرد فرد اعضای جامعه اسلامی، امر به عدالت شده‌اند. خداوند برای مومنین ولایت قرار داده تا اجرای عدالت کنند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ...^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید کاملاً قیام به عدالت کنید» حاکمان و رهبران جامعه اسلامی نیز، امر به عدالت شده‌اند. خداوند حضرت داوود علیه السلام را امر به داوری به حق بین مردم می‌کند و در حکمی عمومی می‌فرماید: «وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ...^۲ و هنگامی که میان مردم داوری میکنید از روی عدالت داوری کنید...»

اهمیت عدالت ورزی به قدری است که قرآن کریم تعبیر «بسیار اجرای عدالت کردن» را ذکر می‌کند. کسانی که مسئولیت هدایتگری در جامعه را به عهده دارند، عدالت را توأم با هدایت اجرا می‌کنند؛ همانطور که در سوره اعراف آمده است: «وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ...^۳ از آفریدگان ما گروهی هستند که به حق راه می‌نمایند و به عدالت رفتار می‌کنند.»

۱. نساء/۱۳۵.

۲. نساء/۵۸.

۳. اعراف/۱۸۱.

قرآن کریم کسانی را که امر به عدالت می‌کنند بر صراط مستقیم ذکر می‌کند: «هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ...^۱ آیا چنین انسانی با کسی که امر به عدل و داد می‌کند و بر راه راست قرار دارد مساوی است؟» در روایتی که از طرق اهل بیت ع نقل شده در تفسیر آیات فوق می‌خوانیم: «کسی که دعوت به عدل می‌کند، امیر مؤمنان و امامانند.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۳۳)

فرصت سازی

مضمون فرصت سازی، دارای دو مضمون پایه «اکراه نکردن در قبول دین» و «مدارا با مردم» است. در آیات زیادی، پیامبر صلی الله خود را انذار دهنده و بشارت دهنده معرفی می‌کند، و در آیاتی دیگر تنها وظیفه خود را دعوت و خواندن مردم به دین و رساندن و ابلاغ سخن دین می‌داند. همچنین در مواجهه با غیر مسلمانان، رهبر راه الزام و اجبار را به کار نمی‌گیرد، بلکه فرصت می‌دهد تا آنان آزادانه و با اختیار راه خود را انتخاب کنند.

در آیه ششم سوره توبه، به پیامبر خطاب می‌شود که مشرکانی را که برای شنیدن آیات قرآن کریم، تقاضای مهلت می‌کنند، امان دهد و آنان را به جای امنی برساند.^۲ فرصت سازی رهبر جامعه اسلامی در برابر آزار و اذیت‌های مردم جاهل نیز به عنوان یک دستور آمده است. «بدیهی است اگر رهبر و مبلغ، شخص سختگیری باشد به زودی جمعیت از اطراف او پراکنده می‌شوند، و نفوذ خود را در قلوب از دست خواهد داد، همانطور که قرآن مجید می‌گوید: «وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفُضِّقَ الْقَلْبُ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ...^۳ اگر سختگیر و بد اخلاق و سنگدل بودی به طور مسلم از گرد تو پراکنده می‌شدند.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۶۲)

۱. نحل/۷۶.

۲. «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ ابْلِغْهُ مَأْمَتَهُ...»

۳. آل عمران/۱۵۹.

قیام خدا محور

این مضمون دربردارنده دو مضمون پایه «قیام مستمر برای خدا» و «استقامت مومنان» است. قرآن کریم قیام و به پا خواستن مسلمانان را از امور مهم بر می‌شمرد و با عبارات و اندرزه‌های مختلف آن را بازگو می‌کند. قیام در قرآن کریم، وظیفه و ولایتی برای تمام مومنین نسبت به بی عدالتی‌ها، فسادها و منکرات در جامعه اسلامی است. مومنان به مقتضای ایمانشان به ذات اقدس حق، قوام لله هستند، یعنی همواره برای خدا قیام می‌کنند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ...^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید همواره برای خدا قیام کنید»

قیام مسلمانان باید برای انگیزه دینی و برای خدا و نشأت گرفته از ایمان آن‌ها باشد. قرآن کریم استقامت مومنان را که همان قیام و به پا خواستن و بی تفاوت نبودن در برابر دشمن و در برابر مشکلات است، هم برای حاکمان و هم برای مومنان ضروری می‌داند.

هدایتگری دینی

این مضمون دربردارنده چهار مضمون پایه «هدایتگری توأمان رهبر و کتاب آسمانی»، «حکم کردن طبق حکم خدا»، «هدایت طبق حکم شرع» و «هدایتگری توأم با بصیرت» است. آن چه که در راس جامعه دینی نیاز است، رهبر دینی و قانون دینی است. حکومت و رهبری در جامعه اسلامی، از دین بر می‌خیزد. یعنی علاوه بر آنکه رهبری بایستی از جانب خداوند منصوب شود، قانون جامعه نیز بایستی از ناحیه خداوند تشریح گردد. «أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ...^۲ کتاب آسمانی، که به سوی حق دعوت می‌کرد، با آنها [پیامبران] نازل نمود، تا در میان مردم، در آنچه اختلاف داشتند، داوری کند.»

۱. مائده/۸

۲. بقره/۲۱۳

در حکمرانی و صدور حکم از جانب هادیان سیاسی، آن چه که مبنا و محور قرار می‌گیرد، کتاب الهی و شریعت از ناحیه خداوند است. حتی پیامبر اسلام نیز، طبق آنچه که از ناحیه خداوند به او نشان داده، حکم می‌کند: «إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ...^۱ ما این کتاب را به حق بر تو فرستادیم تا به آنچه خداوند به تو آموخته، در میان مردم قضاوت کنی». هدایتگری بر طبق حکم شرع، معیاری است برای شناخت هادیان به سوی حق و هادیان به سوی باطل. هادیان به حق امر خدا را مقدم بر امر خود می‌شمرند، اما هادیان به باطل، هوس‌های خود را مقدم بر خدا و کتاب خدا قرار می‌دهند.

ویژگی دیگر هدایتگران به حق، دعوت با بصیرت است. داشتن بصیرت، اختصاص به رهبر جامعه ندارد، زیرا هدایتگری در جامعه، منحصر در رهبر نیست، بلکه خداوند به تمامی مومنان در جامعه اسلامی ولایت داده است که در امر هدایت جامعه سهیم باشند. در سوره یوسف، خداوند به پیامبر اسلام صلی الله می‌فرماید: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي...^۲ بگو این راه من است که من و پیروانم با بصیرت کامل همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم.»

یاری دهنده

این مضمون دارای دو مضمون پایه «یاری دهنده» و «به استقامت و داشتن مومنان» است. هدایتگر مسلمانان در امور مادی و معنوی هدایت شوندگان را رها نمی‌کند. او از برتری خود در ابعاد مادی و معنوی استفاده می‌کند و مردم را یاری می‌دهد. یاری دهنده هدایتگر ایجاب می‌کند که ظلمت‌ها را از جامعه بزدايد و همچنین مومنان را در

۱. نساء/۱۰۵.

۲. یوسف/۱۰۸.

حمایت خویش داشته باشد. رهبر بایستی استقامت و پایداری را در جامعه زنده کند و در رسیدن به هدف، مومنان را با خویش همراه سازد.

نتیجه گیری

نویسنده در این نوشتار، آیات هدایت سیاسی در قرآن کریم را بررسی نموده و به بررسی و ارائه بایسته‌های هدایت سیاسی در قرآن کریم نموده است. آنچه که از هدایت در این پژوهش قصد شده است، هدایت به معنای راهبری و سوق دادن به سمت مطلوب است. ضرورتی که برای این پژوهش متصور است، احتیاج بشر به راهنمایان و راهبرانی است که در پیمودن راه کمال و موفقیت او را یاری دهند. در عرصه سیاسی که عرصه قدرت است، ضرورت هدایت سیاسی مسلمین دو چندان است. بر اساس مبانی مسلمانان به ویژه شیعیان، در این زمینه باید به منابع دین مراجعه کنیم و آرای قرآن کریم را در این زمینه استخراج نماییم.

در مقدمات تحقیق، مفاهیم هدایت و سیاست و هدایت سیاسی مورد بررسی قرار گرفت. تعریف مد نظر ما از هدایت سیاسی این چنین شد: «فرایند راهبری هدایت شوندگان در جامعه، توأم با فرادستی و از موضع قدرت، به سمت فضیلت مند ساختن آن». در ادامه به ارتباط مبحث هدایت سیاسی با قرآن کریم پرداخته شد، که با اثبات رابطه دین و سیاست، ضرورت چندانی برای پرداختن به آن احساس نشد.

روش تحلیل و ارائه داده‌ها در این تحقیق روش تحلیل مضمون بود. در این روش کیفی، داده‌های پراکنده به صورت مضامین ساماندهی می‌شوند و در سه سطح پایه، سازمان دهنده و فراگیر رتبه بندی می‌شوند. در این پژوهش که بر اساس مدل شبکه ای تحلیل مضمون، ارائه شد، از بین بیش از ۱۰۰ آیه احصا شده که با بایسته‌های هدایت سیاسی مرتبط بودند، ۲۷ مضمون پایه استخراج و ۱۱ مضمون سازمان دهنده نیز از مضامین پایه انتزاع شد. همه این مضامین، زیر مجموعه عنوان بایسته‌های هدایت سیاسی

قرار گرفت. بایسته‌های هدایت سیاسی به عنوان مضمون فراگیر در این پژوهش، حلقه ربط بین مضامین سازمان دهنده و مضامین پایه بود.

البته لازمه پژوهش موضوعی پیرامون آیات قرآن کریم، داشتن دانش تفسیری و حفظ اصول و قواعد تفسیر موضوعی است. در این رابطه سعی شد با استفاده از تفاسیر معتبر و با استفاده از روایات، قواعد تفسیر موضوعی رعایت شود.



فهرست منابع

۱. آقا بخشی، علی اکبر؛ افشاری‌راد، مینو (۱۳۷۹)، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران: نشر چاپار، چاپ اول.
۲. ابن فارس بن زکریا، ابوالحسین احمد (۱۳۸۷)، *ترتیب مقاییس اللغة*، قم: نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
- اسد الله زاده، زهرا (۱۳۸۰)، «پژوهشی در آیات هدایت و ضلالت: مشخصات رهیافتگان به حریم وصال دوست»، *مجله گلستان قرآن*، شماره ۱۰۴.
- (www.noormags.ir/view/fa/articlepage/index/63084)
۳. البعلبکی، روحی (۱۳۸۵)، *فرهنگ عربی-فارسی المورد*، تهران: نشر امیر کبیر، چاپ اول.
۴. بهروزی لک، غلام رضا، «درآمدی بر مسائل سیاسی دکترین مهدویت»، *فصلنامه انتظار موعود*، شماره ۱۶.
- (www.entizar.ir/?p=890)
۵. بهروزی لک، غلام رضا؛ احمدی سفیدان (۱۳۹۳)، «مؤلفه‌های قدرت سیاسی در قرآن کریم»، *فصلنامه علوم سیاسی*، ش ۶۶.
۶. جوادی آملی، عبد الله (۱۳۸۷)، *تفسیر موضوعی قرآن کریم - هدایت در قرآن*، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ سوم.
۷. الجوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق)، *الصحاح*، بیروت: نشر دار العلم للملایین، چاپ چهارم، ج ۶.
۸. الحسینی الزبیدی، سید محمد مرتضی (۱۳۹۶ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت: نشر دارالهدایه، ج ۱۶.
۹. دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۹)، *لغت نامه دهخدا*، تهران: دانشگاه تهران، ج ۲۵.
۱۰. رضا، احمد (۱۳۷۷ق)، *معجم متن اللغة*، بیروت: نشر دار مکتبه الحیاة، ج ۵.
- شیخ زاده، محمد و دیگران، (۱۳۹۰)، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، *مجله اندیشه مدیریت راهبردی*، ش ۱۰. (سایت www.noormags.ir)
۱۱. شیرازی، صدر الدین محمد بن ابراهیم (۱۳۶۸)، *الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه*، قم: مکتبه المصطفوی، چاپ دوم، ج ۶. (نرم افزار نور الحکمه ۳)
۱۲. صدر، سید محمد باقر (بی تا)، *سنت‌های تاریخ در قرآن*، مترجم: جمال الدین موسوی اصفهانی، نشر روزبه.
۱۳. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴)، *تفسیر المیزان*، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ج ۷. (نرم افزار جامع التفاسیر)
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ترجمه: مترجمان، تهران: انتشارات فراهانی، چاپ اول، ج ۱۲. (نرم افزار جامع التفاسیر)
۱۵. عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۵)، *بنیادهای علم سیاست*، تهران: نشر نی، چاپ دوم.
۱۶. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۹۰)، *مبانی اندیشه سیاسی در اسلام*، تهران: نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ هشتم.
۱۷. عمید، حسن (۱۳۶۰)، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران: نشر امیر کبیر، چاپ سوم، ج ۲.

۱۸. غفرانی، محمد (۱۳۸۸)، *قاموس عصری فی المصطلحات الحدیثه*، تهران: نشر امیر کبیر، چاپ اول.
۱۹. غفرانی، محمد (۱۳۸۸)، *قاموس عصری فی المصطلحات الحدیثه*، تهران: نشر امیر کبیر، چاپ اول.
۲۰. فضل الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹ق)، *تفسیر من وحی القرآن*، بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر، چاپ دوم، ج ۱۰. (نرم افزار جامع التفاسیر)
۲۱. فیومی، احمد بن محمد (بی تا)، *المصباح المنیر*، قم: موسسه دار الهجرة، چاپ دوم، ج ۲. (نرم افزار قاموس ۲)
۲۲. قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، چاپ یازدهم، ج ۵. (نرم افزار جامع التفاسیر)
۲۳. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا (۱۳۶۸)، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تحقیق: حسین درگاهی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول.
۲۴. قیم، عبد النبی (۱۳۸۸)، *فرهنگ معاصر میانه*، تهران: نشر فرهنگ معاصر، چاپ دوم.
۲۵. لک زایی، نجف (۱۳۸۶)، *درآمدی بر مستندات قرآنی فلسفه سیاسی امام خمینی رحمه الله*، قم: بوستان کتاب، چاپ اول.
۲۶. المصری، ابن منظور محمد بن مکرم (بی تا)، *لسان العرب*، بیروت: نشر دار صادر، چاپ سوم، ج ۱۵.
۲۷. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ج ۴. (نرم افزار جامع التفاسیر)
۲۸. معین، محمد (۱۳۸۶)، *فرهنگ فارسی معین*، تهران: نشر نامن، چاپ دوم، ج ۲.
۲۹. مغراوی، حبیب (۱۴۳۲ق)، *مفهوم الهدی فی القرآن الکریم*، دبی: جائزة دبی الدولیه للقرآن الکریم - وحدة علوم القرآن.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ اول، ج ۲.
۳۱. مهربانی، امیر حمزه (۱۳۹۳)، *توانمند سازی منابع انسانی در نظام ارزشی اسلام*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول.
۳۲. میرزایی، نجفعلی (۱۳۸۹)، *فرهنگ اصطلاحات معاصر*، تهران: نشر فرهنگ معاصر، چاپ دوم.
۳۳. های، کالین (۱۳۹۲)، *درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی*، مترجم: احمد گل محمدی، تهران: نشر نی، چاپ سوم.
۳۴. یدالله پور، بهروز (۱۳۸۳)، *مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن*، قم: دار العلم، چاپ اول.